



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۲۵

محمدصالح گردش

آمیزش سرمت ها با اقوام باشنده قدیم سرزمین ما

درصد بیشتر چشم آبی های جهان در اروپای شرقی بسر می برند، به عباره دیگر، اروپای شرقی سرزمین و زادگاه انسان های چشم آبی و سفید پوست جهان بوده است. رنگ چشمان قهوه ای و تیره که در جهان عمومیت بیشتر دارد در اثر موجودیت مقدار زیاد و کافی "ملانین" در چشم است و چشمان آبی در نتیجه کمی ماده مذکور شکل می گیرد. مهاجرت و جابجایی اقوام آریایی در کهن ترین کتاب وداها، چنانکه در "ریگ ویدا" تذکر رفته و از حرکت و جابجا شدن آریایی ها در کنار رود های سند و پنجاب و گنگا تذکر رفته است که از این حقیقت به اساس اسناد و شواهد تاریخی نمی توان انکار کرد.

"سگ" را در زبان روسی "سوکا" و هم "سوباکا" می گویند. بنا به قول هرودوت مورخ قدیم یونانی، مادها قوم ماقبل از پارس ها که در سرزمین ایران امروزی پادشاهی و امپراتوری مقتدری داشتند، سگ را "سپاکا" می گفته اند. همین گونه واژه "سپی" در زبان پشتو نیز با این ریشه قابل دقت است. "گومل" اسم رود و نیز اسم یک ولسوالی مشهور در ولایت پکتیاست و هم گومل اسم شهر بزرگیست در کشور "بیلاروس". "سرمت" ها یکی دیگر از اقوام آریایی تباری بودند که در جنوب روسیه می زیستند که در قرون ۴ و ۵ قبل از میلاد و شاید هم پیشتر از قرن ۵ قبل از میلاد به سرزمین های جنوب و جنوب شرقی ایران امروزی سرزیر گردیدند که ممکن است ماد ها یکی از شاخه های قوم سرمت بوده باشند. یکی از ویژگی های سرمت ها مهارت شان در اسب سواری و نیزه بازی بوده است، وقتی به رسم نیزه بازی با سواری اسب توسط مردم پشتون جنوب کشورمان تعمق می نمایم، این مناسبت دو کتله مردمی برایم بیشتر می گردد. همچنان اسم ولسوالی "زرمت" ولایت پکتیا در کشور ما با کمی تفاوت در ادا با اسم قوم باستانی سرمت قابل دقت است.

در اینجا قابل تذکر می دانم که وقتی چشم آبی ها را در میان افراد اقوام پشتون چون آفریدی، جاجی و شینواری ها می بینم، آن را ناشی از کمی و کمبودی ماده ملانین در چشم آنها نمی دانم، بل آنرا نتیجه تداوم همان ژن وراثتی مردم اروپای شرقی دانسته ام. پس یک موج مهاجرتی اروپاییان که شاید از جانب غرب و جنوب غرب کشور ما صورت گرفته باشد بیشتر قوم سرمت ها بوده اند و هم پیش از سرمت ها اقوام دیگر اروپایی نیز به سرزمین ما پا گذاشته اند چه از جانب غرب و چه از طرف شمال مانند اقوامی چون کادوسی، آلان ها، آسی ها و غیره که همه سفید چهره های چشم آبی بوده اند. قوم باستانی سرمت ها بیشتر با قوم پشتون کشور ما آمیخته اند و از قرائن وانمود می

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

گردد که قوم پشتون در گذشته ها نیز درین خطه و سرزمین از شعاع نفوسی بیشتری برخوردار بوده اند و این قوم از باشندگان قدیم این خطه اند.

در زبان روسی کوه را "گرا" می گویند و در زبان اوستایی "گئیری" می گفته اند. در چند زبان مردم پامیری و نیز مردم شمال غرب پاکستان از جمله در زبان "وخی" کوه را "غور" گویند و در زبان های مونجی و اشکاشمی نیز به هیئت قرین به غر و غور ادا و بیان می گردد و هم در زبان پشتو کوه را "غر" می گویند. در اینجا ناگفته نباید گذاشت که اسم ولایت غور نیز از همین ریشه و به معنی کوه خواهد بود و چنانکه می دانیم ولایت غور بخودی یکی از ولایات کوهستانی کشور ماست. پس تمام کلماتی که در بالا تذکر رفت از ریشه با هم پیوند و پیوستگی خواهند داشت که نشان دهنده آمیزش های زبانی نیز خواهند بود. شاید در میان این اقوام پیوند های عمیق و بیشتری زبانی و فرهنگی موجود باشد که به یک پژوهش گسترده و دامنه دار و میدانی نیاز خواهد داشت، ولی من در این مقال و نوشته کوتاه به همین حد و اندازه بسنده و اکتفا می نمایم.



آرشیف: مطالب نشر شده محترم محمدصالح گردش

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ